

همایش ملی مطالعات و پژوهش های علمی علوم انسانی

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار با حمایت معنوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه
سرمدیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی شماره مجوز: ۴۸۵۳-۷۸۸۶۴
سال برگزاری همایش: ۱۳۹۷ شماره مقاله: ۵۴۵/۱۵۹ رده بندی کنگره: د ۵۰۳/۲

وحدت مقام تعقیب و تحقیق در دادگاه بخش و تأثیر آن در

رسیدگی و صدور رای

علی سهراب زاده

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی و مدرس دانشگاه

چکیده

در راستای تحقق عدالت کیفری اقتضا دارد که اصول و قواعد تعیین شده در دادرسی کیفری، در هر مرحله از دادرسی و یا در هر مرجع رسیدگی کننده به نحوی باشد که پس از پایان اجرای مجازات مرتکب جرم و یا برائت متهم، تفاوت و یا شائبه‌ای در فرایند عدالت کیفری ایجاد نشود. نظام دادرسی کیفری ایران پس از تغییرات و تبعیت‌های زیادی که از نظام‌های دیگر داشته است، با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحات آن در سال ۱۳۹۴، دادگاه بخش را که اصولاً رئیس بخش یا دادرس علی‌البدل به‌تنهایی آن را اداره می‌کند، مسئول تعقیب متهم، تحقیق، رسیدگی، صدور حکم و اجرای مجازات قرار داده است، حال اینکه اگر همان متهم در نزدیک‌ترین شهرستان آن بخش مرتکب همان جرم شده بود وضع به گونه دیگری می‌شد. هرچند رعایت اصل بی‌طرفی در تمام مراحل دادرسی الزامی است ولی شخص واحد که ابتدا در مقام تعقیب با متهم مواجهه می‌شود با ایجاد ذهنیت‌های گوناگون روبرو شده تا پس از پایان مرحله تحقیقات مقدماتی و رسیدگی، در مرحله صدور حکم، احتمال اینکه به لحاظ ایجاد وضعیت خاص روحی روانی، رعایت اصل رسیدگی، در مرحله صدور حکم، احتمال اینکه به لحاظ ایجاد وضعیت خاص روحی روانی، رعایت اصل بی‌طرفی دچار خدشه گردد، وجود دارد.

واژگان کلیدی: مقام تعقیب، مقام تحقیق، دادگاه بخش، اصل بی‌طرفی

بخش اول: کلیات

دادرسی کیفری از دیرباز با تحولات گوناگونی روبرو بوده است و کشورها در راستای عدالت کیفری بر اساس نظام‌های مختلفی سعی در رسیدن به سیستمی حقوقی با حذف نقایص قبلی داشته‌اند، تبعیت از سیستم دادرسی تفتیشی، اتهامی، مختلط و اسلامی مؤید این امر است. برخی با ارائه نظریات خود اصل تفکیک مقام تعقیب از مقام تحقیق مطرح نموده‌اند و این اصل را تشکیل شده از دو اصل دیگر دانسته‌اند به این صورت که اصل مزبور از یک سو به عدم مداخله مقام تعقیب در وظایف مقام تحقیق و از سوی دیگر به عدم دخالت مقام تحقیق در اقدامات تعقیبی اشاره دارد.^۱ قانون‌گذار ایران در مقام تقنین علی‌رغم اینکه نظام دادرسی مختلط را موردپذیرش قرار داده است ولی از این اصل تبعیت ننموده برای مثال: در اصلاحات ۱۳۹۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با حذف کلمه "نبودن" و جایگزین نمودن کلمه "کمبود" در ماده ۸ از آن قانون، دادستان را مجاز به انجام تحقیقات مقدماتی در غیر جرائم موضوع ماده ۳۰۲ دانسته است. نقض این اصل و عدم پایبندی به آن، مقدمه عدم رعایت اصل بی‌طرفی است چه اینکه دادستان که نماینده جامعه می‌باشد در مقام تعقیب نمی‌توان وی را بی‌طرف به حساب آورد و ورود ایشان به امر تحقیق ناقض اصل بی‌طرفی محسوب می‌شود که این موضوع در دادگاه بخش به طریق اولی بیشتر نمایان است. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نتیجه تغییرات متعدد و حذف دادرسی و احیای مجدد آن می‌باشد که متأسفانه رسیدگی در دادگاه بخش به تبعیت از قوانین قبلی به همان صورت باقی‌مانده و مهم‌ترین محور عدم رعایت اصل بی‌طرفی و عدم رعایت تساوی همگان در برابر قانون به حساب می‌آید.

۱۱- هادی زاده، رضا، بررسی اصل تفکیک مقام تعقیب از مقام تحقیق در آیین دادرسی کیفری ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۰، ص ۱۴

بند اول: جایگاه و ویژگی اصلی مقام تعقیب

فلسفه وجودی مقام تعقیب در دادسرا بر پایه تحقق عدالت کیفری و احقاق حقوق عمومی و تسلای خاطر جامعه در نتیجه تعقیب متهم در ابتدا و نهایتاً پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مرتکب می‌باشد چه اینکه با شروع تعقیب متهم، نه تنها جامعه اطمینان خاطر حاصل نموده که نماینده ایشان در تلاش است تا متهم تعقیب و دستگیر و تحویل مرجع قضایی تحقیق داده شود، بلکه همین امر باعث پیشگیری از وقوع جرم به توسط سایرین بوده و همچنین تأثیر آن بر اصلاح متهم کنونی هم محرز و مسلم است.^۲ از ویژگی‌های دیگر مقام تعقیب که همان دادستان یا نماینده جامعه یا مدعی‌العموم می‌باشد، پس از تعقیب متهم و تحویل آن به مقام تحقیق به جهت انجام تحقیقات مقدماتی، نحوه تحقیق را مدیریت نموده و موارد نقص تحقیق را به بازپرس اعلام و بازپرس مکلف به تبعیت و رفع نقص می‌باشد، پس از صدور قرار جلب به دادرسی در فرجه قانونی اقدام به صدور کیفرخواست نموده و نسبت به سایر قرارهای صادره از سوی بازپرس اعلام نظر نموده و در صورت ایجاد اختلاف با بازپرس موضوع به جهت حل اختلاف به دادگاه صالح ارجاع می‌شود و در نهایت پس از صدور رأی قطعی و محکومیت مرتکب، این دادستان است که با نمایندگی از جامعه اقدام به انجام تشریفات اجرای مجازات می‌نماید. از دیگر وظایف و یا ویژگی‌های مقام تعقیب، انجام برخی امور مربوط به محجورین بر اساس قانون امور حسبی، انجام و مدیریت کلاس‌های آموزشی در راستای پیشگیری از وقوع جرم، شرکت در جلسات دادرسی در دادگاه کیفری یک و برخی پرونده‌های دادگاه کیفری دو و..... می‌توان نام برد. از موارد فوق‌الذکر می‌توان به این نتیجه رسید که مقام تعقیب مقامی بی‌طرف نبوده و اعمال مزبور به نمایندگی از جامعه انجام می‌گیرند

بند دوم: جایگاه مقام تعقیب در دادسرا

در دادسرا که در مرکز هر استان و در سایر شهرستان‌ها با تشخیص رئیس قوه قضائیه تشکیل می‌شود، دادستان، ریاست دادسرا را بر عهده داشته و نه تنها آن مرجع را از لحاظ اداری مدیریت می‌نماید بلکه تمامی اقدامات دادیاران و برخی از اقدامات بازپرس‌ها با تأیید ایشان انجام و عملی می‌شوند و از طرفی به سایر دادستان‌های آن استان مدیریت نموده و آموزش و تعلیمات علمی و عملی ارائه می‌نماید. از آنجا که تعقیب متهم ویژگی بارز مقام تعقیب بوده و ایشان با نمایندگی از جامعه تمامی اقدامات لازم در راستای تعقیب و دستگیری متهم انجام می‌دهد، پس همین که دادستان از وقوع جرمی مطلع شود سریعاً و به نمایندگی از جامعه در راستای حفظ آلات عمل ارتكابی و تعقیب متهم و جمع‌آوری ادله جرم ارتكابی، وارد عمل شده و پس از انجام این امور پرونده را جهت انجام تحقیقات مقدماتی به بازپرس ارجاع می‌دهد. دادستان با مدیریت اداری دادسرا به تعداد لازم دادیار در اختیار داشته که برخی امور را به ایشان محول می‌نماید که البته تمامی اقدامات صورت گرفته از سوی دادیار با تأیید دادستان عملی می‌شوند و دادیار مستقلاً حق انجام آن امور را ندارد به عنوان مثال در غیر جرائم موضوع ماده ۳۰۲ از قانون آیین دادرسی کیفری و در صورت کمبود بازپرس دادستان انجام تحقیقات مقدماتی را به دادیار ارجاع داده ولی تمامی قرارهای صادره از سوی دادیار الزاماً می‌بایست به تأیید دادستان برسد. انجام برخی امور حسبی مانند تعیین قیم برای افراد محجور به دادستان محول شده است که اصولاً در دادسراها اداره‌ای به نام اداره سرپرستی تشکیل شده که با مدیریت دادستان این موضوع رسیدگی و انجام می‌شود.^۳ شرکت در برخی از جلسات دادرسی دادگاه کیفری دو با نظر

دادگاه و شرکت در تمامی جلسات دادرسی دادگاه کیفری یک از دیگر وظایف دادستان می‌باشد که یا شخصاً و یا به‌توسط یکی از معاونین ایشان انجام می‌شود.

بخش دوم: جایگاه مقام تعقیب در دادگاه بخش

اساساً رسیدگی در دادگاه بخش هنوز به‌مانند دوران قبل از احیای دادرسی به‌صورت تک‌مرحله‌ای بوده و رئیس دادگاه هم در مقام تعقیب مسئول کشف جرم و تعقیب متهم بوده و سپس اقدامات تحقیقی را انجام داده و پس از آن اقدام به صدور رأی نموده و در نهایت مجازات اعمال‌شده را اجرا می‌نماید. همان وظایفی که دادستان شهرستان بر عهده دارد، مقام تعقیب که رئیس دادگاه بخش هم می‌باشد، ملزم به رعایت آن‌ها بوده و از طرفی مکلف است که علی‌رغم اینکه شأن تعقیبی دارد هم‌زمان اقدامات تحقیقی نسبت به امر تعقیب شده را انجام دهد و خود را برای صدور رأی نسبت به همان موضوع آماده کند؛ که ایرادات زیادی به این امر وارد است که در آینده به آن‌ها اشاره خواهد شد.

بند اول: جایگاه و ویژگی اصلی مقام تحقیق

تا قبل از احیای دادرسی رسیدگی کیفری به‌صورت تک‌مرحله‌ای بود و قاضی دادگاه رؤسا پس از انجام تحقیقات مقدماتی رسیدگی ماهوی و صدور رأی را هم بر عهده داشت که نتیجه این امر؛ خروج از حالت بی‌طرفی قاضی رسیدگی‌کننده و تضییع حقوق متهم در پی داشت که با احیای دادرسی و متعاقب آن تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ متصدی تحقیقات مقدماتی، شخصی غیر از مقام تعقیب و شخصی غیر از مقام محکمه رسیدگی‌کننده و صدور رأی می‌باشد. اصولاً و بر اساس ماده ۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری اصلاحی ۱۳۹۴ تحقیقات مقدماتی تمامی جرائم بر عهده بازپرس است؛

محل بازپرسی در دادسرا بوده و با ارجاع موضوعی از سوی دادستان به بازپرس، وی مسئول انجام تحقیقات مقدماتی می‌باشد.

بند دوم: جایگاه مقام تحقیق در دادسرا

همان‌طور که در بالا اشاره شد تحقیقات مقدماتی تمامی جرائم بر عهده بازپرس بوده و با ارجاع موضوع از سوی دادستان به ایشان، وی نمی‌تواند از انجام تحقیقات مقدماتی به هر بهانه‌ای استنکاف نماید مگر به تجویز قانون؛ به عنوان مثال: در برخی از امور نه تنها حق انجام امر تحقیقات را ندارد بلکه الزاماً می‌بایست قرار امتناع از رسیدگی صادر نماید و یا در موارد عدم صلاحیت که با صدور قرار عدم صلاحیت موضوع را به مرجع صالح ارجاع می‌دهد.^۴

هرچند صدر ماده ۹۲ انجام تحقیقات مقدماتی تمامی جرائم را بر عهده بازپرس قرار داده است ولی با اضافه کردن قیدی متصل به آن ماده موضوع را تخصیص داده و بیان داشته است که در غیر جرائم موضوع ماده ۳۰۲ از آن قانون و در صورت کمبود بازپرس، دادستان دارای تمامی وظایف و اختیاراتی است که برای بازپرس تعیین شده است که در این صورت دادستان یا خود رأساً نسبت به انجام تحقیقات مقدماتی اقدام می‌نماید و یا در صورت وجود دادیار، موضوع را به دادیار ارجاع داده که تمامی قرارهای تأمین و نهایی صادره از سوی دادیار می‌بایست به نظر و تأیید دادستان برسد. در صورتی که دادستان انجام امر تحقیق را به دادیار ارجاع دهد به این جهت که تمامی اقدامات انجام شده از سوی دادیار الزاماً می‌بایست به تأیید دادستان برسد، پس اختلافی حادث نخواهد شد ولی ارجاع موضوع تحقیق به بازپرس به سبب استقلال نسبی بازپرس احتمال وجود اختلاف بین

۱۴- رجب گلدوست جویباری و فرامرز قلی پور جمنانی. مجله حقوقی دادگستری. سال هفتاد و نهم و شماره نود و

دادستان و بازپرس در مواردی وجود دارد که حل اختلاف حادث شده با دادگاه صالح می باشد پس نتیجه اینکه بازپرس مستقلاً و در کمال بی طرفی و با رعایت حقوق متهم، موضوع تحقیق را انجام داده و در نهایت قرار نهایی صادر می نماید که استقلال در انجام امر تحقیقات مقدماتی رعایت اصل بی طرفی و رعایت حقوق متهم و تساوی همگان در برابر قانون را به دنبال خواهد داشت

بند سوم: جایگاه مقام تحقیق در دادگاه بخش

مقام تحقیق در دادگاه بخش که اصولاً رئیس یا دادرسی علی البدل می باشد در برخی از جرائم به جانشینی از بازپرس تحقیقات مقدماتی را انجام و سپس با صدور کیفرخواست از سوی دادستان شهرستان پرونده را به دادگاه صالح که یا دادگاه کیفری یک و یا دادگاه انقلاب با تعدد قضات ارسال می دارد که به این امر ایراداتی وارد است: اینکه بر اساس قانون در این خصوص مقرر شده است که دادرس علی البدل و یا رئیس دادگاه بخش به جانشینی از بازپرس تحقیقات مقدماتی را انجام می دهند که اگر دادگاه بخش تنها با رئیس اداره شود که می بایست پرونده را بدون ارجاع رسیدگی نماید که نظر به اینکه بر اساس قانون بازپرس تنها در صورت ارجاع پرونده از سوی دادستان، تکلیف رسیدگی دارد و اگر دادگاه بخش دارای رئیس و دادرس علی البدل باشد و رئیس پرونده را به دادرس علی البدل ارجاع دهد باز با این مشکل روبرو هستیم که چگونه ممکن است جانشین بازپرس به جانشین دیگر بازپرس ارجاع نماید؟ زیرا در این حالت هردوی آنها جانشین بازپرس می باشند که در ارتباط با ابهامات ذکر شده راه حل های زیر ارائه شده است:

الف: درجایی که دادگاه بخش تنها با رئیس اداره می شود ایشان به عنوان جانشین بازپرس تحقیقات مقدماتی را شروع می نماید که در مورد پرونده های فاقد فوریت این امر با اندکی

تسامح قابل‌پذیرش است چرا که شروع رسیدگی توسط بازپرس بدون ارجاع دادستان تنها در پرونده‌های واجد فوریت مجاز است.

ب: در صورتی که دادگاه بخش دارای رئیس و دادرس علی‌البدل باشد دادرس علی‌البدل به‌عنوان جانشین دادستان پرونده را به رئیس دادگاه ارجاع می‌دهد که البته قدری قابل‌تأمل است چه اینکه اگر دادرس جانشین دادستان و رئیس جانشین بازپرس محسوب گردد و متعاقب آن در زمان تحقیقات و صدور قرار از سوی رئیس (در اینجا جانشین بازپرس) بین ایشان و دادرس (در اینجا جانشین دادستان) اختلاف نظر ایجاد شود، حل اختلاف با کدام دادگاه خواهد بود؟ یا اینکه آیا ایجاد حل اختلاف قابل‌تصور است یا خیر؟^۵

بخش سوم: عوامل مؤثر بر نحوه رفتار دادستان در زمان تعقیب متهم:

دادستان در زمان تعقیب به نمایندگی از جامعه قصد دارد تا به نحوی تکلیف خود را انجام دهد که آسایش سلب شده از جامعه را اعاده نماید که این امر باعث تندی برخورد در برخی از موارد شده و نتیجه این امر نادیده گرفتن پاره‌ای از حقوق متهم به دنبال دارد

بند اول: تلاش برای اعاده آسایش سلب شده از جامعه

اینکه مدعی‌العموم در تعقیب متهم مدعی محسوب می‌شود و در راستای اعاده وضعیت ایجاد شده ناشی از جرم ارتكابی، با رفتاری خاص قصد در تحصیل ادله جرم ارتكابی دارد خواه‌ناخواه باعث نادیده گرفتن حداقل حقوق متهم می‌شود و گاهی انگیزه ایجاد شده برای دادستان در مواردی که ظن بر احراز ارتكاب جرم توسط متهم،

حاصل می‌شود، احتمال از بین رفتن حقوق اساسی متهم دوچندان می‌شود، که قانون‌گذار فهیم زمانی که انجام امر تحقیقات مقدماتی را به شخصی غیر از دادستان واگذار

۱۵- آخوندی، محمود (۱۳۷۷)، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، چاپ پنجم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

می‌نماید در پی اعاده حقوق ازدست‌رفته احتمالی متهم بوده است چه اینکه بازپرس شخصی غیر از مدعی‌العموم و بی‌طرف بوده و با ذهنیتی متفاوت از مقام تعقیب در پی انجام تحقیقات مقدماتی صرف می‌باشد.^{۱۶} مقام تعقیب ناگزیر است در دستگیری متهم و حفظ ادله تحصیل جرم اصل بی‌طرفی را نادیده گرفته و در راستای حفظ حقوق جامعه برخی از حقوق متهم را نادیده بگیرد اما این امر در زمان تحقیق مقدماتی برای بازپرس به گونه دیگری است و الزاماً می‌بایست ابتدائی‌ترین حقوق متهم در نظر داشت.

بند دوم: تسریع در دستگیری متهم

در زمان آگاهی مقام تعقیب از وقوع جرم به جهت جلوگیری از فرار متهم و یا حفظ آلات جرم، ناچاراً می‌بایست با استفاده از قوایی که در اختیار دارد بعضاً با قهر و غلبه نسبت به متهم رفتار نماید که همین امر باعث از بین رفتن پاره‌ای از حقوق متهم می‌شود ولی در زمان تحقیق استفاده از چنین ابزاری ممنوع بوده و بازپرس در کمال بی‌طرفی می‌بایست تحقیقات مقدماتی را انجام دهد. سرعت عمل در دستگیری متهم و یا انجام اقدامات اولیه در راستای جلوگیری از فرار ایشان، باعث می‌شود تا رفتاری خاص از سوی مقام تعقیب علیه متهم صورت گیرد ولی

همین اقدامات زمانی که از سوی مقام تحقیق انجام می‌گیرد به نحو دیگری است و بازپرس مکلف است که با رعایت اصل بی‌طرفی تمامی حقوق متهم را رعایت نماید.

بند سوم: مقام تحقیق در دادگاه بخش

در دادگاه بخش که اصولاً با رئیس دادگاه به‌تنهایی اداره می‌شود پس از انجام امر تعقیب به جهت شروع به تحقیقات مقدماتی نه تنها موضوع ارجاع منتفی است بلکه مجدداً

و پس از اقدامات امر تعقیب، در مقام بازپرس و یا به عبارت بهتر به جانشینی از بازپرس تحقیقات مقدماتی را آغاز می‌نماید که در همین ابتدای امر ایرادات مهم و اساسی به شرح زیر به این موضوع وارد است:

۱- اصولاً انجام امر تحقیق از سوی بازپرس نیازمند ارجاع پرونده از سوی دادستان و یا رئیس حوزه قضائی است و در مواردی که بازپرس خود ناظر وقوع جرمی باشد اقدامات اولیه تا رسیدن دادستان انجام داده و پس از آن در صورت ارجاع آن موضوع از سوی دادستان تحقیقات مقدماتی را انجام می‌دهد ولی در دادگاه بخش که بیشتر شخص واحد مسئول انجام تمامی مراحل پرونده می‌باشد موضوع ارجاع پرونده معنا ندارد هرچند در صورتی که دادگاه بخش هم رئیس و هم دادرس علی‌البدل داشته باشد آنگاه می‌توان گفت که رئیس دادگاه پرونده را به دادرس ارجاع داده و ایشان به جانشینی بازپرس موضوع تحقیقات مقدماتی را انجام می‌دهد.

۲- شخص واحد که در ابتدا موضوع تعقیب متهم را بر عهده داشته است و با استفاده از ابزارهای غلبه‌ای و استفاده از ضابطین قضایی اقدام به دستگیری متهم نموده است و با نگاه جانب‌دارانه به متهم پرونده به جهت مدعی‌العموم بودن، بیشتر ظن مجرم بودن متهم برای مقام تعقیب ایجاد می‌شود که در زمان تحقیق مجدداً همان شخص که البته در این مرحله می‌بایست با رعایت اصل بی‌طرفی موضوع تحقیق را پیگیری نماید و این امر مستلزم عدم وجود نگاهی خاص از قبل به متهم پرونده می‌باشد، که به نظر می‌رسد این موضوع تأثیر بسیار مهمی در روند تحقیق داشته و مشکل بتوان هرچند با وجود ادله موجود بر له متهم، ظن ایجاد شده مقام تعقیب (تحقیق فعلی) را از بین برد و انجام تحقیقات مقدماتی با نگاه منفی و جانب‌دارانه به متهم، به‌قرار نهایی صحیحی ختم نخواهد شد.

اصولاً بازپرس که تحقیقات مقدماتی یک پرونده را آغاز می‌نماید با جدیت تمام و بدون توجه به حواشی موجود در دادسرا و یا حتی اتفاقاتی که برای کادر دفتر شعبه محل کار خود، ایجاد می‌شود، با معطوف نمودن نیروی ذهنی و علمی خود به آن پرونده به موضوع تحقیق رسیدگی کرده و درنهایت با رعایت اصل بی‌طرفی و حفظ تمامی حقوق متهم قرار نهایی لازم را صادر می‌نماید ولی در دادگاه بخش که با رئیس اداره می‌شود هم‌زمان با انجام امر تحقیق موضوعات متعددی ایجاد می‌شود که ناچاراً می‌بایست به‌صورت هم‌زمان به تمامی آن‌ها توجه و دقت لازم داشته باشد به‌عنوان نمونه زمانی که ذهن خود را به‌شدت معطوف جلسه رسیدگی تحقیقات مقدماتی کرده جلسه اداری با سازمانی دیگر که از قبل هماهنگ شده باشد و یا وضعیت حادی برای احدی از کارکنان ایجاد شود و یا نیاز به حضور هم‌زمان وی در محلی خارج از دادگاه ایجاد شود، آیا می‌توان متصور بود که تحقیق آن جلسه مفید واقع گردیده بود؟ مسلماً پاسخ منفی است چه اینکه رئیس دادگاه به‌ناچار می‌بایست به تمامی اتفاقات حواشی حوزه قضائی خود دقت لازم داشته باشد و همین امر از قدرت ذهنی وی در زمان استماع اظهارات متهم در امر تحقیق می‌کاهد.

۳- لزوم بی‌طرفانه بودن فرایند تحقیق: لزوم رعایت بی‌طرفی در فرایند رسیدگی به یک پرونده کیفری به‌هیچ‌وجه محدود به مرحله رسیدگی در دادگاه نبوده و تمام مراحل تعقیب جرم، تحقیقات مقدماتی، صدور حکم و اجرای مجازات را دربرمی‌گیرد. منظور از بی‌طرفی، بی‌طرفی ناشی از شخصیت فردی بازپرس نیست بلکه منظور بی‌طرفی ناشی از ویژگی ساختاری نهاد بازپرسی است. هر انسانی خلق و خوی خود را دارد، شیوه زندگی اجتماعی، تاریخی، موقعیت جغرافیایی و عوامل اقتصادی در هر قوم، اخلاق و

ارزش‌هایی به وجود می‌آورد که همراه با وضع ویژه دادرس، وجدان اخلاقی او را شکل می‌بخشد.^۷

مقام تحقیق در دادگاه بخش که ابتدا به‌عنوان مقام تعقیب در اولین برخورد با نخستین دلایل، جهت‌گیری خاصی به سمت مجرمیت و یا برائت متهم گرفته، در زمان تحقیق به‌سختی می‌توان آن جهت‌گیری ذهنی را تغییر داد که همین امر اساسی‌ترین ایراد به وحدت این دو مقام در دادگاه بخش بوده و به‌راحتی ناقض اصل بی‌طرفی در مقام تحقیق خواهد بود.

بند چهارم: حقوق متهم در دادگاه بخش

دادگاه بخش در ابتدای امر با تعقیب متهم تا زمان دستگیری و جمع‌آوری ادله، قادر است که حقوق متهم مندرج در قوانین موضوعه و اصول قانون اساسی را رعایت نماید ولی پس از شروع مرحله تحقیق که همان شخص واحد که قبلاً امر تعقیب را انجام داده بود و با جهت‌گیری ذهنی که از قبل نسبت به متهم داشته است تحقیقات مقدماتی را آغاز می‌نماید. حال این سؤال مطرح است که آیا حقوق این متهم در زمان تحقیق به‌نحوی که اگر همین متهم همان جرم را در نزدیک‌ترین شهرستان همان بخش مرتکب می‌شد رعایت می‌شود یا خیر؟ به نظر می‌رسد که جواب منفی است چه اینکه بی‌شک حداقل‌ترین حقوق این متهم نادیده گرفته خواهد شد. مگر نه اینکه الزاماً می‌بایست شخصی بی‌طرف تحقیقات مقدماتی را انجام دهد؟ حال اینکه همان مقام تعقیب که رئیس دادگاه بخش بوده موضوع تحقیق را برعهده گرفته است.^۸

۱۷- کاتوزیان، ناصر، فلسفه حقوق، جلد سوم، چاپ اول، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۷

۱۸- آشوری، محمد و دیگران (۱۳۸۳)، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، نشر گرایش.

بند پنجم: تأثیر وحدت مقام تعقیب و تحقیق در صدور رأی

در زمان رسیدگی به ادله در محکمه وضع به گونه دیگری است چه اینکه دادگاه پس از مطالعه پرونده و دقت در ادله ارائه شده له یا علیه متهم و کیفرخواست صادره و اینکه آیا حقوق متهم در زمان تفهیم اتهام و یا اخذ آخرین دفاع و مدت زمان میزان بازداشت و قرارهای صادره از سوی مقام تحقیق، رعایت شده است یا خیر، امر رسیدگی را شروع نموده و به دفاعیات متهم را استماع نموده و درنهایت اقدام به صدور رأی می نماید. پس الزاماً می بایست شخصی خارج از مقام های تعقیب و تحقیق موضوع رسیدگی و صدور رأی را دنبال نماید ولی در دادگاه بخش رئیس دادگاه خود شخصاً مجدداً در کرسی رئیس دادگاه به موضوع اتهام متهم رسیدگی می نماید و نه تنها به سختی می تواند جهت گیری ذهنی قبلی خود را نسبت به محکومیت و یا برائت متهم حذف نماید بلکه نمی توان متصور بود که به اشتباهات خود در خصوص حقوق همان متهم در زمان تعقیب و تحقیق پی برده و سعی در اصلاح آن نماید.

نتیجه گیری

یکی از بارزترین ویژگی های حاکم بر نظام های دادرسی مختلط اصل تفکیک مقام تعقیب از مقام تحقیق است و تحقیقات مقدماتی تمامی جرائم می بایست بر عهده مقام تحقیق مستقلی به نام بازپرس قرار داشته و تعقیب جرم از وظایف دادستان باشد. این اصل هرچند مورد قبول قانون گذار ایران قرار گرفته است ولی در موارد متعددی از جمله در دادگاه بخش از آن عدول شده و نادیده گرفته شده است. لزوم رعایت اصل بی طرفی در زمان تحقیق بی شک مورد قبول قانون گذار و در این خصوص دکترین به اجماع رسیده است حال اینکه دادستان را به عنوان مدعی العموم جانب دار به حساب می آورند که در

دادگاه بخش و در پاره‌ای موارد در دادگاه‌های دیگر، وحدت مقام تعقیب و تحقیق این اصل را دچار خدشه کرده است. رعایت حقوق متهم در تمامی مراحل دادرسی از نتایج بارز عدالت دادرسی کیفری می‌باشد که به نظر می‌رسد در دادگاه بخش نمی‌توان این نتیجه مهم را به دست آورد چه اینکه متهمی که از سوی شخص مقام تعقیب تحت پیگرد بوده است و مجدداً در زمان تحقیق هم نزد وی به دفاعیات خود پرداخته و از طرفی همان شخص اقدام به محاکمه و متعاقباً صدور رأی نموده است، نمی‌توان متصور بود که تمامی حقوق ایشان لحاظ گردیده است از طرفی در زمان اجرای حکم هم بر اساس تأسیس‌های حقوقی لحاظ نمودن تعلیق اجرای مجازات و آزادی مشروط و غیره برای محکومی که نزد مقام تعقیبی تحت پیگرد بوده است که از همان ابتدا جهت گیری ذهنی مجرمیت برای وی ایجاد شده بوده، دور از ذهن به نظر می‌رسد.

ارائه پیشنهادات:

۱- الزاماً می‌بایست دادگاه بخش با رئیس و دادرس علی‌البدل و یا بازپرس اداره شود و ارجاع پرونده‌های کیفری از سوی رئیس به دادرس یا بازپرس به جهت انجام تحقیقات مقدماتی صورت گرفته و پس از صدور قرار نهایی از سوی ایشان، رئیس دادگاه نسبت به محاکمه و صدور رأی اقدام نموده و مجدداً اجرای مجازات بر عهده دادرس یا بازپرس قرار گیرد و پرونده‌های حقوقی مستقیماً از سوی رئیس مورد رسیدگی واقع شده و در صورتی که وجود دادرس بعضاً به‌توسط ایشان و با ارجاع از سوی رئیس رسیدگی شوند.

۲- در پرونده‌هایی که تنها تحقیقات مقدماتی آن‌ها بر عهده دادگاه بخش می‌باشند رئیس هم می‌تواند به جانشینی از بازپرس، تحقیقات مقدماتی را انجام داده و پرونده را به دادگاه صالح با صدور قرار نهایی ارجاع دهد.

۳- به جهت رعایت اصل بی‌طرفی و حقوق متهم، هرگاه رئیس دادگاه موضوع تعقیب را انجام داده، تحقیقات مقدماتی را به دادرس یا بازپرس واگذار نموده و یا برعکس در خصوص پرونده‌هایی که دادرس یا بازپرس بدوا موضوع تعقیب را پیگیری نموده است رئیس به جانشینی از بازپرس تحقیقات اولیه را برعهده گرفته و صدور رأی را به دادرس محول نماید.

منابع و مأخذ

- آخوندی، محمود(۱۳۷۷)، آیین دادرسی کیفری ، جلد دوم ، چاپ پنجم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- آشوری، محمد و دیگران(۱۳۸۳)، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، نشر گرایش.
- رجب، گلدوست جویباری و فرامرز قلی پور جمنانی ،عدول از اصل تفکیک مقام تعقیب از مقام تحقیق در آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۲.
- خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری ، چاپ دوم ، تهران، انتشارات شهر دانش، ۱۳۸۸.
- خالقی، علی،نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری،چاپ اول، تهران، انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۳.
- کاتوزیان ، ناصر، فلسفه حقوق، جلد سوم، چاپ اول،تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۷.
- هادی زاده، رضا،بررسی اصل تفکیک مقام تعقیب از مقام تحقیق در آیین دادرسی کیفری ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی ، ۱۳۹۰.
- مهاجری ، علی، تأثیر نهاد دادرسی در دادگاه عمومی بخش، آموزش و تحقیقات قوه قضائیه، ۱۳۹۶.